



چپتر ۲۲  
همراهی  
مترجم: نازنین

زیر دست عزیز  
من، نیازی به تعظیم  
کردن نیست!



ممنونم از  
بخشندگیتون، ارباب چیان  
سویی.

نیازی به پاداشی که لیاقتش رو ندارم  
نیست. مو-ار فقط از استعداد ناچیزش استفاده  
کرد تا لبخندی به لب های امپراطور بیاره. چطور  
ممکنه جرات کنه که جایزه ای  
درخواست کنه؟



شیلپانگ مو، تو میخوای توی  
رده بندی بالای شیان-ار قرار  
بگیری؟ خواہش رو پپینی!

漫遊漫遊漫遊



اگه بازرس رفتار و گفتار سلطنتی  
این رو میدونست، ممکن بود فکر کنه که  
اقامتگاه ارباب ایالت از مهارت های عجیب و  
فریبنده استفاده می کنه تا دلربایی کنه و توی  
رده بندی بالا بره.

漫遊漫遊漫遊



اون زبان تیز مادام هان ممکنه  
صمیمی و درستکار به نظر برسه، ولی  
اون اون داره اجرای منو پست  
میسنمره و پهنون مهارت های  
عجیب میگه.



در مقایسه با بازی های  
اتاق خصوصی مو-ار، شیان-ار اجرای  
مخصوصی برای امپراتور آماده کرده  
و امپراتور رو دعوت میکنه که  
تماشاش کنن.



叮铃  
حليل



4

叮铃  
حليل



خدای من!

این شاهدخت  
کشور، دوان یانگ  
عه!

(شاهدخت کشور در واقع  
پرنس نیست، قدیم که به  
بزرگتر بختیاره مزارع و بنا  
پرنس سلطنت که از  
خون امپراتوره متفاوت.)

腾讯动漫

جینگ

叮铃

داره روی یه  
اسب می رقصه؟

سینا



لان-ار...



خیره

این واقعا تویی



امپراتور ریس

بانو هان از قصد  
این کارو انجام داد!

اون حتی اجازه داد  
شیلیانگ شیان از اون زن تقلید کنه، اون  
از قبل میدونستن که امپراطور هرگز حتی  
یک بار در طول این ده سال اون شخص رو  
فراموش نکرده...



اجرای رقص شیلیانگ شیان  
واقعا پی نقص ترا اون چیزیه  
که توی عمارت تمرین کرده  
بود.

ولی-

走近



هرچی بالاتر  
پیری، سقوطت دردناکتر  
میشه!

کردن

掙扎







嘶  
اسب  
شبهه

چرا اسب  
یهویی کیورونه  
شد؟!!



سریع از  
امپراطور محافظت  
کنین!

یه نفر!  
از امپراطور محافظت  
کنه!!!

ووش





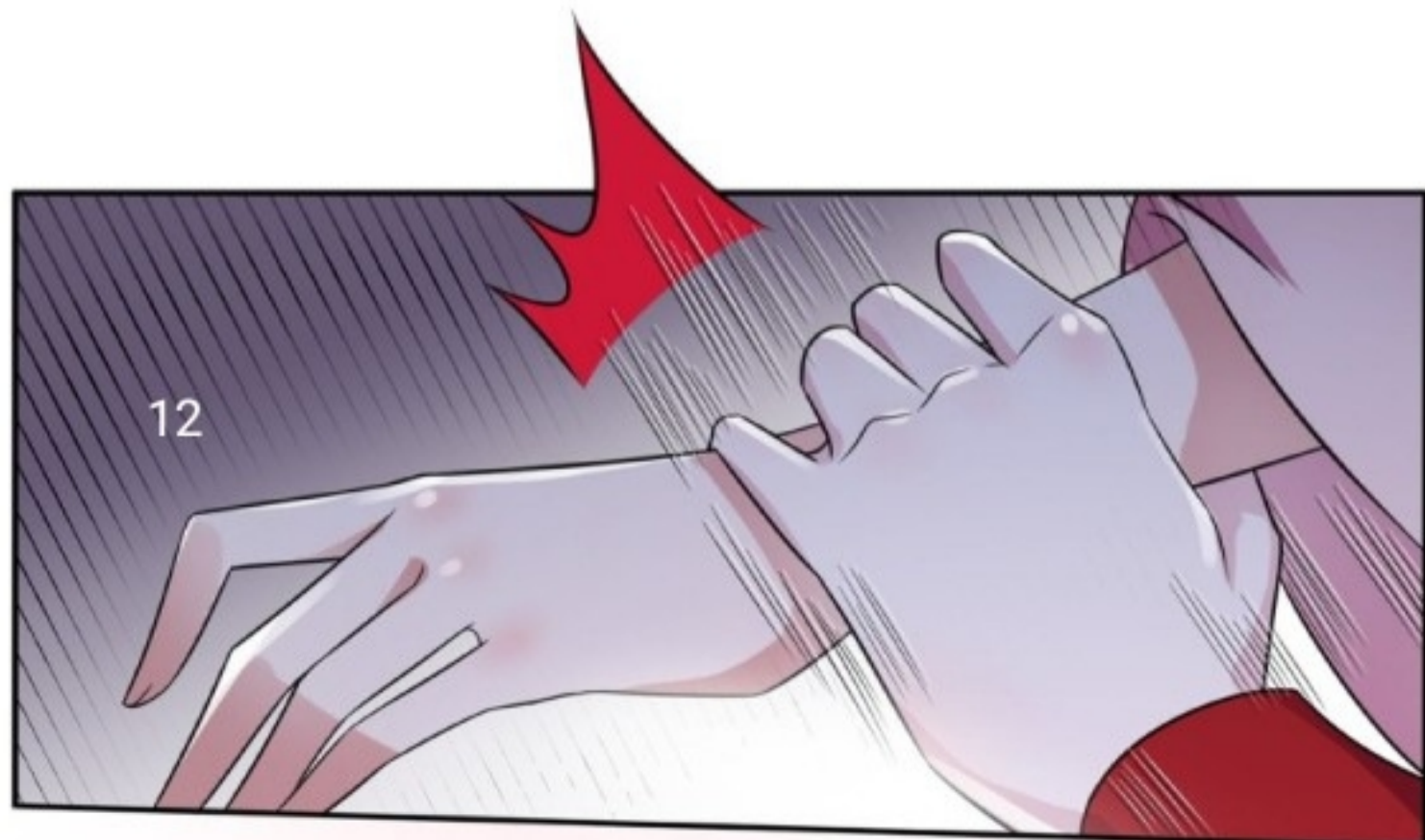
پوشاندن

پوشاندن

عالمیجناب،  
لطفاً سریع بدین!



بیا! فقط با لگد مال  
شدن زیدر اسبیه که امپراطور  
نگران میشه!





مثل اینکه  
سرنوشت خوبی با  
اسب ها داری.



خدای من؟

اون جو جهان  
سویا... کسی رو لجات  
داد؟

کی بہت گفتہ  
اینتقدر فضول باشی؟!!



روباه  
کوچولو، نمیخوای الان  
ازم تشکر کنی؟



از ارباب چیان سوپی برای  
نجات دادنم تشکر میکنم، این  
بانوبسی سپاسگذاره...



变脸

تغییر  
رنگ  
صفت

چیز زیادی نبود. من با بی  
میلی این تشکر ناخواسته  
رو قبول میکنم.

مضحک!



این چه  
معنی ای داره؟



اون پارچه ای که باهش  
اسب رو پوشوند، به ادویه های  
آرامش بخش آغشته بود.



اسب از قبلش تحت  
کنترلش بود و اون عمدازش  
دوری کرد تا فقط آسیب سطحی  
بینه.

اون با دقت این نمایش رو  
ترتیب داده بود و میخواست موقع  
«محافظت از امپراطور» زخمی بشه، ولی  
من متوقفش کردم.

حتما الان توی  
قلبش خیلی ازم متنفره.



به هر حال، من از عمد  
کار خوبش رو خراب کردم تا  
رفتار سرخورده و عصبانیش  
رو بینم. حالا این جالب  
میشه...



عالیجناب، لطفا  
ما رو عفو کنین!

لرد چیان سویی،  
این شیلیانگ مو خیلی  
گستاخه.

شما به وضوح نجاتش  
دادین، ولی اون نیت خوب  
شما رو درک نکرد...

اگه نجاتش نمی دادم،  
خواسته اش بر آورده می  
شد.

(یعنی مو از  
خداش بوده نه لرد  
نجاتش نده)